

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده زبانشناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان های باستانی

ترجمه و واژه نامه سه زبانه زند - اوستا - فارسی یسن هفت ها (یسنه)

هپتنگهایتی)

استاد راهنما  
دکتر کتایون مزداپور

استاد مشاور  
دکتر زهره زرشناس

پژوهشگر  
سارا حقیقت پژوه زارع

شہریور ماہ ۱۳۹۱

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	چکیده
۵-۷	پیش سخن
۵-۷	- یسنه هپتنگهائیتی (ستایش هفت فصل)
۸-۱۰	- پژوهش‌های پیشین
۱۱-۱۲	- روش کار
۱۳-۲۷	متن زند
۲۸-۳۵	آوارویی متن زند
۳۶ - ۴۳	برگردان فارسی متن زند
۴۶-۴۸	پی نوشت ها
۴۹-۵۰	درباره این واژه‌نامه
۵۱-۱۳۳	واژه‌نامه
۱۳۴-۱۳۶	برخی اصطلاحات دستوری انگلیسی به فارسی
۱۳۷-۱۳۹	برخی اصطلاحات دستوری فارسی به انگلیسی
۱۴۰	کتابنامه
۱۴۱	چکیده به زبان انگلیسی (Abstract)

## چکیده

در این پایان‌نامه متن زند «ستایش هفت فصل» ترجمه و بررسی شده است. ستایش هفت فصل یسن های ۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می‌دهد و به نثر است و پس از گاهان قدیم‌ترین بخش اوستاست. هفت‌ها فصل های ۴۱-۳۵ از ۷۲ فصل یسنا را تشکیل می‌دهد و در میان گاهان جای دارد. هفت‌ها گرچه مج‌موعه‌ای جدا از گاهان است وازنظر مضمون و درون‌مایه‌ها با گاهان تفاوت‌هایی دارد، اما از نظر شیوه نگارش و زبان به کارگرفته شده، با گاهان همسوز است. عنوان پایان‌نامه «ترجمه و واژه‌نامه سه زبانه زند - اوستا - فارسی یسن هفت‌ها (یسنه هپتنگه‌ایتی)» است و بخش‌های آن به قرار زیر است:

مقدمه شامل مطالبی درباره یسن هفت‌ها (=ستایش هفت فصل)، اوستای متقدم، دلایل تفاوت متن زند با متن اوستایی آن، پژوهش‌های پیشین و روش کار.

متن زند «یسن هفت‌ها» متنی است که دابار<sup>۱</sup> آن را ویراسته است، و سپس آوانگاری متن زند و برگردان فارسی متن زند و یادداشت‌های آن ارائه می‌شود.

دیگر بخش‌های پایان‌نامه مشتمل بر واژه‌نامه سه زبانه، معادل برخی اصطلاحات دستوری از انگلیسی به فارسی و از فارسی به انگلیسی، کتابنامه و چکیده به زبان انگلیسی است.

---

<sup>1</sup> Dhabhar, B. N. 1953. Pahlavi Yasna and Visperad. Bombay

## یسنه هپتنگهاتی

یسنه هپتنگهاتی یا یسنای هفت فصل یسن های ۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می دهد و به نثر است و پس از گاهان قدیم ترین بخش اوستاست. (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۳۸) هفت ها فصل های ۴۱-۳۵ از ۷۲ فصل یسنا را تشکیل می دهد و در میان گاهان جای دارد. هفت ها به استثنای چند بند منظوم (یعنی ۳۵/۸ و ۴۰/۱-۳) به نثر است. (میرفخرایی، ۱۳۸۲، ص ص ۷-۸) زبان به کار رفته در این بخش از یسن ها همان زبانی است که در گاهان به کار رفته است، از این رو گمان کرده اند که این بخش از یسن ها را یکی از پیروان زردشت سروده است. برخی، های ۴۲ را هم جز یسن هفت ها دانسته اند. یسن هفت ها را «هفت تن یشت بزرگ» هم در مقایسه با «هفت تن یشت کوچک» نامیده اند. غرض از هفت تن هفت امشاسپند است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳، ص ۱۸). هفت ها با واژه humatanam آغاز و بند همین واژه پایان می پذیرد که بر این اساس آغاز آن بنح ۲ یسنای ۳۵ و پایان آن بند ۶ یسنای ۴۱ است (میرفخرایی، ۱۳۸۲، ص ۷). هفت ها گرچه مجموعه ای جدا از گاهان است و از نظر مضمون و درون مایه ها با گاهان تفاوت هایی دارد، اما از نظر شیوه نگارش و زبان به کار گرفته شده، با گاهان همسو است. هفت ها با حدود ۶۸۰ واژه و ترکیب (با در نظر گرفتن صد مورد کاربرد پی چسب ca -) دارای ۲۳۷ واژه ای است که بیش از نیمی از آن یعنی ۱۵۵ واژه آن در گاهان نیز آمده است. (بجز ۶ واژه بقیه در اوستای متأخر آمده است) ز ۸۲ واژه باقی مانده، بیش از نیمی (۴۳ واژه) در اوستای متأخر نیز به کار رفته اند. بهین ترتیب گاهان و هفت ها ۱۹۸ واژه (۴۳+۱۵۵) و هفت ها و اوستای متأخر ۱۸۸ واژه (۳۹+۱۴۹-۶=۱۵۵) واژه مشترک دارند. گرچه کاربرد واژه های معمول و غیر علمی اوستای متأخر در هفت ها، زبان آن را از زبان فنی، هنری و والای گاهان دور می کند، اما آمار ارائه شده نشان می دهد که واژگان به کار رفته در بدنه ی اصلی هفت ها با زبان گاهانی که دارای پیکره محدودی است، نزدیکی بسیار دارد (میرفخرایی، ۱۳۸۲، ص ص ۸-۹). به هر روی میان یسن هفت ها و متون گاهانی شباهت ها و تفاوت های چندانی به چشم می خورد برای آگاهی بیشتر از این تفاوت ها و شباهت ها بنگرید به: عالیخانی، بابک، ۱۳۷۹، بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستا تهران، انتشارات هرمس. ص ص ۳-۱۵).

چنان که از مضمون و درون مایه های هفت ها بر می آید، این بخش از یسنا، مجموعه ای از مراسم مناسب آیینی است که ردپا و بازتاب پندارهای کهن در آن دیده می شود و با گاهان که کلام پیامبر است و برای آموزش احکام و دستورات دینی و معرفی آن به دینداران بیان شده، تفاوت ماهوی دارد. بررسی داده های زبان هفت ها نشان می دهد که فاصله زمانی چندانی میان گاهان و هفت ها وجود ندارد. مقایسه دقیق محتوای گاهان و هفت ها روشن می سازد که بسیاری از دیدگاه های اساسی هفت ها مانند شخصیت بخشیدن به پدیده های مادی پرستش و ستایش آب و آتش و نثار به آن ها پرستش زمین، نام نبردن از زردشت و دو پدیده ی گاهانی (کمال و بی مرگی)، مبارزه میان خیر و شر و مظهر شر یعنی اهریمن، اعمال پادافره توسط اهوره مزدا و ... جای در گاهان ندارند و بیشتر با آرا و عقاید و آموزه های پیش زردشتی همخوانی دارد. از آنجا که همزمان با زردشت و در کنار دین او، ادیان باستانی ایران که اغلب با عنوان دیو پرست از آن ها یاد می شود، به حیات خود ادامه می دادند، این امکان وجود دارد که موبدان و پیروان آن ها آیین پیش زردشتی آگاهانه با نادیده گرفتن پاره ای از اصول آیین خود ( نام نبردن از ایزدان مهم چ ون مهر، اپام نیات و اردیسور ) و پذیرفتن بعضی از آموزه های زردشتی (ستایش گاو، روان گاو، آفریننده ی گاو ) اندکی پس از در گذشت زردشت که هنوز آداب و مناسک آیین زردشتی، کمابیش رواج داشته و به دست فراموشی سپرده نشده بود، مجموعه ای آیینی از تلفیق هر دو دیدگاه فراهم کرده و با قرار دادن آن در جای امن، یعنی در میان گاهان - که پیروان راستین زردشت در نگهداری آن بسیار کوشا هستند - بقای هفت ها و مصون ماندن آن را از تغییر و تصرف تضمین کرده باشند (میرفخرایی ف ۱۳۸۲، ص ۱۴).

چنان که پیشتر گفته شد هفت ها به استثنای چ ند بند منظوم (بندهای ۳/۸، ۳۵/۱، ۴۰ ظاهرأ با چهار مصراع و هر مصراع با هشت هجا )، به نثر است، اما سنت زردشتی، آن را منظوم دانسته است و این احتمالاً بدین سبب است که در نسخه ی معتبر PT4 یسنا همراه با زند آن، ابیات و قطعات هفت ها به خط پهلوی «گاه» و «وچست» آورده شده است. در ویسپرد نیز اشاره می شود که بخشی از هفت ها با اصطلاحات «ها»، «افسمن» واژه ها و نیز بیت برشمرده می شود. جز آن نیز در متن فارسی می انه ی شایست نشایست (۱۶/۱۳) نیز اصطلاح « وچست » در رابطه با هفت ها به کار رفته است ( میرفخرایی، ۱۳۸۲، ص ۸).

بئوناک (Baunack) معتقد است که سراسر هفت ها از بند ۳ های ۳۵ تا بند ۶ های ۴۱ منظوم بوده است و هر بیت ۸ هجا داشته است، اما پس از چندی واژه هایی بدین منظومه افزوده و وزن آن خراب شده و به شکل امروزی به ما رسیده است. (پورداود، ۱۳۳۷، ص ۲۷)

نگاهی گذرا به محتوای هر یک از هفت ها شناخت کاملی از درون مایه های آن ها به دست می دهد.

در « های نخست » (یسن ۳۵) سخن گویان خود را خوشامدگویان و برگزیدگان اندیشه ها، گفتار ها و کردارهای نیکی می دانند که در همه حال و همه جا انجام شده اند و انجام می شوند.

در «های دوم» (یسن ۳۷) سخن گویان در آغاز از مزدا اهوره به عنوان آفریننده ی گاو و اشه و سپس از دیگر آفریننده های هستی مانند آب ها، گیاهان، آسمان و زمین نام می برند و خود را انس ان هایی می نامند که در کنار گاو جای دارند.

در «های چهارم» (یسن ۳۸) در ادامه ستایش ها زمین با دیگر هستی های ایزدی که ایزد بانوان باشند ستوده می شوند.

در «های پنجم» (یسن ۴۰) سخن از اعتماد اهوره مزدا و اشه است. هر یک از سخن گویان خواهان مزدی هستند که اهوره مزدا برای آن ها مقرر کرده است. مزد مادی و معنوی تا با آن به اتحاد اشه و اهوره مزدا برسند.

در «های هفتم» (یسن ۴۱) سخن گویان ستایش ها و نیایش های خود را به اهوره مزدا و اشه پیشکش می کنند و خواهان رسیدن به شهریاری نیک اهوره مزدا هستند و آرزومندند که شهریاری نیک، چه مرد و چه زن، در هر دو هستی برایشان فرمان براند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳، ص ۴۱، میرفخرایی، ۱۳۸۲، ص ص، ۱۳-۱۱).

یسن های هپتنگه‌ای به همراه گات ها ( گاهان ) و دعا‌های مذکور در یسن ۲۷ (سه دعای معروف زردشتی «اهونور»، «اشم وهو» و «ینگه هاتام») مجموعه ای اوستای مقدم ( اوستای گاهانی ) را تشکیل می دهند (زرشناس، ۱۳۸۲، ص ص ۲۳-۲۵).



## پژوهش های پیشین

کار بر روی یسن هفت ها به فراوانی گاهان نیست . تاکنون کارهای پژوهشی زیر بر روی یسن هفت ها صورت گرفته است :

۱- **یوهانا نارتن** کتابی را به یسن هفت ها اختصاص داده و ضمن ارائه ترجمه ی مطمئن و دقیقی از متن به زبان آلمانی ، یادداشت سودمندی ارائه کرده است . وی متن اوستایی یسن هفت ها را با الفبای لاتینی به شیوه پیشنهادی کارل هوفمان آورده است. دراین ترجمه مولف کوشیده است تا تک تک واژه های متن را از نظر زبانی بررسی نماید و نظرهای تحلیلی خود را در مورد بسیاری از واژه ها به شرح بیان داشته و از هر بند ترجمه ای به زبان آلمانی ارائه داده است.

Narten, J. 1986, *Der Yasna Haptanghaiti*, Dr. Ludwig Reichert Verlag, Wiesbaden

۲- **ژان کلنز و اریک پیرار** ضمن بررسی و ترجمه ی متنهای کهن اوستایی (متون اوستای مقدم) هفت ها را به زبان فرانسه ترجمه کرده اند . کلنز و پیرار ضمن آن که ترجمه ای مطمئن و دقیق از یسن هفت ها ارائه می دهند، در مواردی که نظری متفاوت از نارتن داشته اند ، در بخش یادداشت ها متذکر می شوند . واژه نامه ای که کلنز و پیرار ترتیب داده ان د، این مزیت را بر واژه نامه لرتن دارد که حالت های دستوری واژه ها را مشخص کرده اند.

Kellens, J. & Eric Pirart, 1988- 1991, *Les Textes vieil Avestiaues*. Dr. Ludwig Reichert, Verlag, Wiesbaden

۳- **هلموت هومباخ** دو ترجمه به زبان انگلیسی منتشر کرده است. در ترجمه نخست ملاحظات انتقادی با ارزشی با توجه به کارهای پیشینیان ارائه شده است . ترجمه ی وی از یسن هفت ها ترجمه ای دقیق و مطمئن می باشد.

Humbach, H. 1991, *The Heritage of zarathushtra, A New Translation of His Gatha*, Karl Winter Universitatsverlag, Heidelberg

۴- **بئوناک** در کتاب زیر به بررسی یسن هفت ها پرداخته است . این کار یکی از قدیمی ترین کارها بر روی متن یسن هفت ها می باشد.

شایان ذکر است که نارتن درکار پژوهشی خود بر روی یسن هفت ها با دیدی انتقادی به پژوهش های بئوناک در این خصوص نگریسته است.

Baunack, T, 1888 , Studien auf dem Gebiete der griechischen und arischen Sprachen, Teil:Der Yasns Haptanghaiti, Leipzig

۵- کریستیان بارتلمه در «واژه نامه ی ایران باستان» خود تمامی واژه های یسن ها هفت ها را به آلمانی ترجمه کرده و نوع واژه و ج نس و... را مشخص نموده است. وی ضمن آن که برخی جمله ها و عبارات یسن هفت ها را به آلمانی برگردانده است. حالات دستوری بعضی از واژه های آن را در خلال ترجمه خود معین کرده است.

Bartholomae, Ch.,1961,Altiranisches Wörterbuch, Berlin

۶- دارمستتر یسن هفت ها را به زبان فرانسه ترجمه کرده است:

Darmesteter, J. 1892, Le Zend – Avesta, Paris

۷- ولف یسن هفت را به آلمانی ترجمه نموده است :

Wolff, F , 1910, Avesta :Die heiligen Bücher der Parsen , Berlin

۸- میلز ترجمه ای انگلیسی از یسن هفت ها داده است :

Mills , L, H. The Zend- Avesta

۹- هانس رایشلت در کتاب «درس نامه ی اوستا» ی خود های ۳۶ و های ۴۰ یسن هفت ها را با الفبای لاتین آورده و واژه ها و جمله های دشوار آن را به انگلیسی شرح و ترجمه کرده است:

Reichelt, H, 1911, Avesta Reader, Strassburg

۱۰- مری بویس بندهایی از یسن هفت ها را به انگلیسی ترجمه و تجزیه و تحلیل نموده است:

Boyce, M . 1982, A History of Zoroastranism, E. J. Brill Leiden , Netherlands

۱۱- هنریک ساموئل نیبرگ (نوبری) بندهایی از یسن هفت ها را به زبان سوئدی ترجمه کرده است:

Nyberg, H .S., 1937. Irans Forntida religioner Svenska Kyrkans Diakonistyrelses forlag, Uppsala

۱۲- هینزه یک جلد از مجموعه «اکتا ایرانیکا» را به یسن هفت ها اختصاص داده است :

Hinze,A. , 2000 , Acta Iranica , Téhéran-Liège

۱۳- ابراهیم پور داود در جلد اول «یشت ها» متن اوستایی یسن هفت ها را با الفبای اوستایی و با ترجمه ی فارسی و حواشی و تعلیقات آورده است، جز این نیز در مجموعه یسنا ترجمه فارسی ای از یسن هفت ها ارائه داده است.

پور داود، ابراهیم، ۱۳۵۶، یشت ها، ج ۱، تهران: انتشارات طهوری.

پور داود، ابراهیم، ۱۳۷۷، یسنا، بخش دوم تهران: انتشارات انجمن ایران شناسی، مرکز انتشارات کتاب فروشی ابن سینا.

۱۴- مهشید میرفخرایی ضمن ارائه ترجمه ی فارسی از یسن هفت ها، واژه نامه ای برای آن ارائه کرده و حالت های دستوری هر واژه را ذکر نموده است . وی ضمن استفاده از تحلیل های بئوناک و وزندوک که از طریق کار نارتن بدان دست یافته است، از ترجمه های کلنز- پیرار، نارتن و هومباخ نیز سود جسته و از مجموع تحلیل های این سه دانشمند و نیز برداشت های شخص خود ، ترجمه ای دقیق از متن ارائه کرده است:

میر فخرایی، مهشید، ۱۳۸۲، بررسی هفت ها تهران : فروهر

۱۵- گلندر متن اوستایی یسن هفت ها را با الفبای اوستایی ویراسته و در کتاب زیر چاپ نموده است:

Geldner , K . F 1889, Avesta : The Sacred Books of The Parsis , Stuuugart

۱۶- دابار متن زند (پهلوی) یسن هفت ها را با الفبای فارسی میانه در کتاب زیر آورده است:

Dhabhar,B. N., 1949, Pahlavi Yasna and Visperad, The Shahnamah Press

۱۷. آرش زینی در رساله دکتری خود در دانشگاه لندن متن زند یسن هفت ها را بررسی نموده است :

Zeini,A. , 2000 , The Pahlavi version of the Yasna Haptanghaiti, under supervision of Almut Hintze , SOAS,London

این پایان نامه دارای بخش های زیر است: بخش نخست آوانویسی متن زند به شیوه دیوید نیل مکنزی<sup>۱</sup> (Mackenzie) است. متن زندی که مورد استفاده قرار گرفته، از کتاب یسن ها و ویسپرد پهلوی<sup>۲</sup> است که دابار (Dhabhar) آن را گردآوری کرده است.

بخش دیگر برگردان فارسی متن زند است. در برگردان متن زند به فارسی سعی بر آن بوده است تا ترجمه فارسی حتی المقدور به متن زند نزدیک باشد و تا آن جا که این سیاق خدشه ای به مفهوم ترجمه وارد نساخته از آن عدول نشده است.

دنباله این بخش دربرگیرنده یادداشت هایی است که برای متن فراهم شده است. چنانچه واژه ای تصحیح شده، حرف یا حروفی از آن کاسته و یا بدان افزوده شده در این بخش به آن موارد اشاره شده است. نیز چنانچه واژه ای بیانگر کاربرد گویش و یا فارسی گرایی بوده است در بخش یادداشت بدان اشاره شده و علاوه بر این تفسیرهای مفسر زند، چه تفسیرهای درست و دقیق او چه تفسیرهای نادرست او از واژه های اوستایی در این بخش مورد ارزیابی واقع شده است.

بخش پنجم واژه نامه است و نخستین باری است که بدین شکل تدوین شده است. این واژه نامه بسامدی بوده و در برگیرنده تمامی واژه های موجود در متن زند با ذکر شماره بند متن و ذکر تعداد آن واژه در هر بند است. بدین صورت که در جلو هر واژه زند حرف نویسی و آوانویسی و معنای واژه همراه با شماره بند و تعداد ذکر آن واژه در بالای گوشه راست شماره بند نوشته شده است.

---

1 Mackenzie, D. N. 1971. A concise Pahlavi Dictionary. London Oxford

و ترجمه آن:

مکنزی، دیوید نیل. ۱۳۸۳. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه دکتر مهشید میرفرخایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

2 Dhabhar, B.N. 1951. Pahlavi Yasna and Visperad . Bombay

سپس واژه اوستایی همراه با حالت دستوری، شمار و جنس اگر اسم یا صفت باشد و زمان، وجه، شمار، باب (گذرا یا ناگذر) اگر فعل باشد و آن گاه شماره بند متن اوستایی و تعداد آن واژه در هر بند آمده است. در زیر واژه اوستایی ستاک برای اسم و صفت و ریشه فعلی همراه با ستاک حال، ماده سببی و آغازی، ... برای فعل قرار می‌گیرد. در این واژه‌نامه کوتاه‌نوشت (کل. + ستون) به جای کلنز<sup>۱</sup> به کار رفته است. جلوی هر ستاک یا ریشه شماره صفحه‌ای که آن واژه در واژه‌نامه کلنز آمده، نوشته شده است. صفحه واژه‌نامه کلنز از آن رو یاد شده است که کار مراجعه‌کننده به فرهنگ آسان باشد.

---

3 Kellens , J. and Eric Pirart , 1990, Les texts viel-Avestiques , Wiesbaden

# HĀ

## 35

yašt ī haft hād bun  
fradom hād bun

1. Ohrmazd ī ahlaw ī ahlāyīh rad yazēm [kē radīh pad frārōnīh] :·  
amahraspandān hu-xwadāyān hudagān yazēm :· harwisp ān ī ahlawān stī  
yazēm kē mēnōg ud kē-z gētīg pad ārzōg ī ō ān ī weh ahlāyīh [abāyist ī ō  
kār ud kirbag rāy] ud ārzōg ī dēn ī wēh ī māzdēsnañ [abāyist ō dēn rāy] :·
2. humatān huxtān huwarštān kē ēdar-iz dahišn aziš pad-iz ān ī any dahišn  
[kū-š ēdar ud ānōh-iz nekīh aziš] ān ī [tā nūn] ān-iz ī warzīhēd [az nūn frāz]  
hēm abar griftār [kū ō xwēš kunēm] ān ī mard ō mard be abespārdār [kirbag  
ī pad yazad rāh] čiyōn weh hēm [kū čiyōn pāhlom ō xwēš kunēm].  
wičist bišāmrūdīg gōwišn :·
3. ō ēn ēdōn ēg kāmag dahēm kē ahlāyīh nek [dēn] ēdōn ēn menēm-iz  
gōwēm-iz ud warzēm-iz kū-m az hastān mardōmān pad kunišn pāhlom hād  
andar har dō axwān [kū mizd dahānd] :·
4. ān ī gōspandān dahišn [āb] ān ī awēšān kunišn [pahast] awēšān  
[mardōmān ī andar ēn gēhān kār ī ] pāhlom framāyišn u-šān rāmišn-iz ud  
wāstar-iz dahišn [gōspandān rāmišn abē-bīmīh] kē-z ašnawāg [kū-š  
hērbedestān kard ēstēd] ud kē an-ašnawāg [kū-š nē kard ēstēd ā-š ēdōn  
kunišn kū-š bīm nēst] kē-z pādixšā kē-z a-pādixšā :·
5. ō-z ō ōy hu-xwadāytom ēg xwadāyīh az ān kām abar [kū-š nekīh aziš]  
dahēm [xwad] ud čašm [ō kasān kū bē dahēd] ān-iz ī kunēm [kū dārišn be  
kunēm] ō kē ohrmazd ašwahišt-iz wičist srišāmrūdīg gōwišn :·
6. ēdōn ān ī har dō nar ud nārīg āgāh bawēnd āškārag ēdōn ān ast wehīh  
[dēn] ān-iz āgāhīhā dahēnd [ō kasān kū be čašēnd] warzēnd-iz any frāz [ō  
ōy any] āgāhēnēnd awēšān-iz any [hērbed] ēdōn ast ciyōn ān warzēnd [kū  
ān ī hāwišt kunēd ā-š abar ōh šawēd ud ān ī hāwišt az kasān abar šawēd ā-š  
abar nē šawēd]:·

7. ān ī ohrmazd yazišn ud niyāyišn ēdōn az ān ī ašmā pahlom menēm ān-iz ī gōspandān kār [kū az kār ī gētīg pahrēz ī gōspandān pahlom menēm] ∴ ēdōn ān ī ašmā warzēm [dēn] frāz-iz āgāhēnēm [ō kasān] ān and čand ān and čand pad tuwān xwāstār hēm ∴.

8. kē pad ahlāyīh ēdōn sālārīh u-š pad ahlāyīh wālanīh [kū dēn pad sālārīh ī wālan dārēd] kadār-iz ē(w) az hastān mardōmān kē zīwišnōmandīh [ēdōn čiyōn guft] pahlom dahišn pad har dō axwān. wičist bišāmrūdīg gōwišn ∴.

9. ēn ēdōn saxwan ī gōwišnīh ī ohrmazd [dēn ī ohrmazd] pad ahlāyīh menīdārīh ī weh frāz gōwēm [pad frārōn menišnīh] ∴. tō ēg az awēšān padīrišn-ēstišnīh ud frāz-daxšagīh dahēm [kū az amahraspandān tis/čiš ī tō wēš padīrēm ud pad daxšag be kunēm] .

10. az ahlāyīh abāgīh [az ašwahišt hammis] ud ān-iz weh-menišn [ī wahman] ud ān-iz weh-xwadāyīh [xšahrewar] stāyišn ī tō ohrmazd ham az stāyišnān abar ud saxwan ī tō ham az saxwanān abar ud yazišn ī tō ham az yazišnān abar ∴. yazišn ēwāmrūdīg gōwišn ∴. ∴.

## HĀ 36

yast dudīgar hād bun

1. ēdōn ō ēd ī tō ātaxš pad warzišn fradom be rasēm ohrmazd [pad pahrēz ud šnāyēnīdārīh] [pad ēd ī tō gāhān] pad ēd ī tō mēnōg abzōnīg [čiyōn az dēn paydāg] kē ō ōy xīndagīh [kū pad ātaxš anāgīh kunēd] ān-iz ō ōy xīndag dahēd [kū ān-iz pad ōy anāgīh kunēd] .:

2. pad urwarāhmīh ō ōy mard pad tuwān be rasēd ataxš ī ohrmazd pad urwahmanīh ō ōy kē-š urwāhmanīh aziš ud pad niyāyišnōmandīh ō ōy niyāyišnōmand mard pad ān ī meh kār be rasēd [pad passāxt ī pad tan ī pasēn] .:

3. ataxš pad ān ī ohrmazd āgāh ast [pad dēn ī ohrmazd] ud pad mēnōgīh āgāh ast [ān-iš ast ī ka-š pad warahrānīh be nišīnēd] abzōnīg xwad tā ka ōy ī tō nām čiyōn wāzišt ō ātaxš ī ohrmazd ī tō pad ān ī har dō be rasēm [kū-š hihr ī mēnōg ud gētīg aziš abāz dārēm] .:

4. pad ān ī weh menišn ō tō pad ān ī weh tarsagāyīh ō tō pad ān ī weh frazānagīh ō tō pad-iz kunišn ud gōwišn be rasēm .:

5. niyāyišnēnē u-m abāmēnē tō ohrmazd [kū-m abām pad tō bawēd] .: pad harwisp humat ō tō ud pad harwisp hūxt ud pad harwisp huwaršt be rasēm.:

6. nēk ēd ī tō kirb u-t az kirbān niwēyēnišn dahēm ohrmazd [kū andar gēhān ōh gōwēm kū kirb ēd ī tō nēktar] ēn [rōnān] ō ān ī rōšnīh ī bālist [az ān ī pad čašm paydāg] bālēnānd ānōh kū ān ī xwaršēd guft .: yazišnīhā ēwāmūdīg gōwišn .: .:



## HĀ 37

yast ī sidīgar hād bun

1. ēdar ēdōn yazēm ohrmazd kē gōspand ahlāyīh-iz ī dād u-š āb-iz dād ud urwar-iz ī weh u-š rōšnīh dād ud būm-iz harwisp-iz ābādīh [bun ud bar] ōy kē xwadāyīh ud menīh padīš u-š hu-pānagīh aziš .:

2. ān ēdōn az yaštārān [ī andar ēn gēhān] pad pēš-rawiśnīh yazēm [pad pēšōbāyīh] kē pad gōspandōmandīh mānēnd [awēšān yaštār] .:

3. ān ēdōn kē xwadāy nām pad dānāgīh dōšīd ēstēd abzonagīh yazēm .: ōy kē amāgān tan ud gyān [zīwiśn aziš] yazēm ōy kē ahlawān frawahr narān ud nārīgān [nēkīh aziš] yazēm .:

4. ahlāyīh ēdōn pahlom yazēm [ašwahišt] nēkīh abzōnīg ī a-marg ī rōšn tan [ī ōy kē] harwisp ābādīh [nēkīh aziš] .:

5. ān-iz ī weh-menišn [wahman] yazēm .: ān-iz ī weh-xwadāyīh [xšahrewar] ud ān-iz ī weh-dēn ān-iz ī weh-sālārīh [hordād ud amurdād] ud ān-iz ī weh bowandag-meniśnīh [spandarmad] .:

## HĀ 38

yast čahārom hād bun

1. ēn zamīg abāg mādagān ēdōn yazēm kē amā burdār kē-z tō mādag ohrmazd [kū tō xwēš] az ahlāyīh abāgīh [az ašwahišt hammis] pad kāmag awēšān yazēm.∴
2. ka pad abzōn āyōzānd pursišn bowandag-menišnīh [kū ān tis pursēnd ašmā abzōn bawēd] ud man bowandag-menišnīh bawād ān ī tarsagāyīh pad awēšān [ham bawēd] ān ī weh xwāhišn [xwāstag] ān ī weh abzōn ān ī weh frāz wābarīgānīh ān ī weh pārānd yazēm
3. āb ēdōn yazēm *maēkaiṅti* [paššing ī pad urwar abar ēstēd miznē] *haēbuuaṅt* [garān tazišn] ān-iz *frauūāz* [ī wārānīg] ān ī *ahurānīš* [armēšt ud čāhīg ud abārīg-iz āb a-nāmčīštīg] ān ī *ahurahiā* [šuhr] ān ī *hauuapaṅhā* [mēšag] hu-widaragīh ašmā [ā-mān dahēd kū-mān nam andar tan rawāg bawēd] hwagjīgīh [ars] ud hu-šnāsēnagīh [kū-mān xwēy az tan be āyād] ān ī andar har dō axwān kāmag [rōyn] ∴
4. ēdōn ašmā kē weh hēd ā-tān ohrmazd nām dād weh-dāhag kē-š ō ašmā dād pad awēšān ašmā yazēm u-m pad awēšān franāmād u-m pad awēšān ašmā yazēm u-m pad awēšān niyāyišnēnād u-m pad awēšān abāmēnād ∴
5. āb ašmā ān ī *aziš* ašmā [xayūg] ān ī *mātarōš* ašmā [āb andar hambunišnīh ī narān mādagān tōhmag] ān ī *agōniā* [xōn] ān ī driyōš dāyagānēnīdār [āb andar pusyān] ān ī *vīspōpit* ān guft [āb ī pad urwarān ēwan ī urwar padiš waxšīhēd] ān ī pahlom ud nēktar [āb ī tan tōhmag ī az urwar] ēdōn ō ašmā kē weh hēd rād hēm kē pad dagrand-bāzāyīh nayēd [ān gēhān tan] pad jud-dahišnīh ud jud-gōwišnīh ān ī *mātarō jītaiiō* [šīr] ∴  
∴  
yazišnīhā ēwāmṛūdīg gōwišn ∴ ∴

## HĀ 39

yast panjom hād bun

1. ēdar ēdōn yazēm kē ān ī gōspandān ruwān tan [ā-š dād ohrmazd] ān ī amāgān ruwān pasūyīgān-iz kē amā zīwišn xwāstār hēnd [nēkīh ā-š dād] awēšān-iz ī tō [ān ī artēštār] awēšān kē hēnd [wāstaryōš ā-š dād] ∴.

2. daitīkān-iz ī ayārān kē ruwān ā-šān yazēm ∴.  
ān ī ahlawān ruwān ēdōn yazēm kū zādagān-iz narān-iz nārīgān-iz kē awēšān weh-dēn hēnd [pad ēw-kardagīh] wānīdār hēnd [artēštār] windišn (?) wanīhān hēnd [wāstaryōš] ud weh mard hēnd [āsrōn] ∴.

3. ān ī ēdōn yazēm weh nar ud ān ī weh mādag any amahraspandān kē abzōnīg hēnd ud a-marg hamē zīndag ud hamē sūd kē wahman mānēnd [pad frārōnīh] ud kē-z ēdōn [wahman ā-š yazēm] ∴.

4. čiyōn tō pad ān ī har dō [tis/čiš ī mēnōg ud gētīg] ohrmazd menišn hē [kū tis/čiš ī tō ōh menišn] ud gōwišn hē [kū tis/čiš ōh gōwišn] dahišn hē ud warzišn hē weh ēdōn ō tō dahēm [xwad] ud ēdōn čāšēm [ō kasān kū be dahēd] ēdōn tō pad āyišn [ka andar gēhān ōh āyēm ud ōh šawēm] yazēm u-m ēdōn niyāyišnēnē u-m ēdōn abāmēnē tō ohrmazd [kū-m abām pad tō bawēd]  
wičist bišāmṛūdīg gōwišn ∴.

5. pad weh xwēšīh [ka tō xwēš hēm] ud xwēš-rawišnīh [ka pad xwēšīh ī tō ēstēm] pad ān ī weh tarsagāyīh ō tō be rasēm pad ān ī weh sālārīh [ka sālārīh pad frārōnīh kunēm] ud ān ī weh bowandag-menišnīh [ka tis/čiš bowandag-menišnīh kunēm] ∴.  
yazišn ēwāmṛūdīg gōwišn ∴ ∴.

## HĀ 40

yast šašom hād bun

1. ka-tān andar ān [ī axwān] ēdōn abar dahānd ohrmazd mehīh ud bowandagīh pad kardārīh [kū-ān tis/čiš kunānd ud gōwānd ī-tān mehīh ud bowandagīh paydāgtar bawād] rād hēm ō ēd ī tō xrad pānagīh [ō dēn ī tō] az ān ka-m abar [kū-m nekīh az ān] .:

kē mizd ō manīgān frāz dahē ō dēnīgān abayēd dād ohrmazd .:

2. ān ī ō ān amā dahē pad-iz ēn axwān pad-iz mēnōgān kū ēdōn pad ān ī ēdōn abar rasēm ō ēd ī tō hamāxagīh [ham-kardārīh] ī ahlāyīh-iz hamē tā ō wisp [tā tan ī pasēn] .:

3. dahē-m ēdōn ān ī mardān ohrmazd [hāwištān ī mardān ī hērbedān] ī ahlawān ī ahlāyīh-kāmag [ān hērbedan] ka-šān hāzānd ō ān ī dagr rasišn abzōn [tan ī pasēn] pad ān stabr pad kār hamāxag bawānd ō amā ān ī amā rāmēnīdār [dahē] .:

4. ēdōn xwēš ēdōn wālan ēdōn hamāxag ham hād [kū-m dahānd] ka-šān hāzānd ēdōn pad ān ī ašmā ēdōn hād ohrmazd ahlaw ud rāst hād pad īšt rād hād pad xwāstag] .:

yazišnīhā ēwām rūdīg gōwišn .: .: